



۳۵

سوسیالیسم امروز

۱۰ فوریه ۲۰۱۸ - ۲۱ بهمن ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زیجی

www.simroz.org

ما اجازه نمی دهیم رویداد سال ۵۷ را دوباره به ما تحمیل کنند

(گفتگویی "سوسیالیسم امروز" با رفقا عزیز آجیکند و سلام زیجی به مناسب سالگرد انقلاب ۱۳۵۷ ایران)

صفحه ۵

یورش گارد ویژه و نیروهای انتظامی برای سرکوب کارگران اعتصابی شرکت نیشکر هفت تپه را بشدت محکوم میکنیم!

صفحه ۱۴

بیانیه مشترک در باره حداقل دستمزد در سال ۱۳۹۷

صفحه ۴

حرکت نمادین دختران "خیابان انقلاب" در یک نگاه!

صفحه ۱۳

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن را با زبان مادری بخوانیم)

صفحه ۱۲

خبر هولناک یک کارگر در کامیاران

صفحه ۱۴

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره حداقل دستمزد سال ۹۷

حول مطالبه "افزایش حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان" متحد شویم!

(از مطالبه و فراخوان سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، و گروه اتحاد بازنشستگان حمایت میکنیم.)

طبقه کارگر و زحمتکش جامعه نه تنها گردش چرخ اقتصاد و پول و تولید ثروت انبوه کالاها و کلیه تولیدات و دستاوردهای پیشرفته و نیازمندیهای روزمره جامعه را بردوش دارد، نه تنها تامین خدمات و هزینه های کل کشور ناشی از تلاش و دسترنج شبانه روزی او است، که هزینه دشمنان و سرکوبگران خود، از جمله هزینه ماشین گسترده دولتی، ارتش، سپاه، بسیج، پلیس، لباس شخصی، حزب الله قمه کش، خود فروختگان خبرچین، سازمانهای اطلاعاتی و گله آخوند و مساجد و مذهب و تمام ارگانهای مفت خور ایدئولوژیکی و فرهنگی و اداری جمهوری اسلامی و نظام حاکم بورژوازی ایران را نیز تامین میکند، اما همچنانکه همه بر آن واقف هستند، این سازندگان هستی جامعه خود و خانواده شان جزو محرومترین، فقیرترین و سرکوب شده ترین بخش جامعه محسوب میگردند. خود و فرزندانشان در راس لیست قربانیان مرگ و میر، ارتش بیکاران بدون پول و امنیت، کارتون خوابها، گور خوابها، معتادین، بی خانمانها، کودکان کار و خیابانی، کولبران، "برندگان مدرن"، و متحملین غیر انسانی ترین درد و رنج و زندگی پر مشقت قرار دارند.

صفحه ۲ ←

کارگران جهان متحد شوید!



**تعیین حداقل دستمزد کارگران
در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگری است!**

**حداقل دستمزد کمتر از ۴-۵ میلیون تومان برابر با
تحمیل زندگی مجدد بردگی و تداوم استثمار وحشیانه
کارگران از سوی دولت و کارفرمایان است.**

**خانه کارگر، شوراهای اسلامی، انجمنهای صنفی
و شورای عالی کار نهادهای کاملاً دولتی و
ضد کارگری هستند!**

حول مطالبه "افزایش حداقل دستمزد" ...

این موقعیت هولناک، بنیاد جنایت آفرینی، تضاد، بحران، کشمکش طبقاتی، وارونگی جامعه سرمایه داری، از خود بیگانگی انسان، و چهره کریه و وقاحت نظام حاکم را نشان میدهد. طبقه سرمایه دار و دولت آن دقیقاً از این راه توانسته و خواهد توانست بقای ظالمانه و تنگین حاکمیت خود را همچنان حفظ و پا برجا نگهدارند.

تا زمانی که جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری بتواند زندگی انسان ها را در جهت

منفعت سیاسی، طبقاتی و ایدئولوژیکی خود رقم بزند، تا زمانی که ما کارگران و زحمتکشان ناگزیر به فروش نیروی کار خود و انجام کار برای سرمایه و مالکان وسائل تولید هستیم، تا زمانی که اجازه داده ایم نظام مزدبگیری و خرید و فروش نیروی کار انسانها برقرار است، روشن هست که هیچ شکلی از اصلاحات و یا افزایش دستمزد و غیره نیز نمی تواند بطور قطع به اصل استثمار و جنایت و نابرابری و خلاصی از جنایت اعمال شده توسط دولت و طبقه حاکمه پایان داد.

اما با آگاهی بر واقعیت فوق و ضرورت تعمیق نفرت و آگاهی طبقاتی جنبشمان علیه شرایط موجود، و اعلام مستمر این واقعیت ساده که تا زمانی نظام کار مزدی برقرار است، خبری از خوشبختی و رهایی واقعی کارگر و بشریت نیست، جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر به منظور پایان دادن به حاکمیت نظام سرمایه داری، نه "اصلاح درونی طبقه حاکمه" و دولت، به مثابه پیگیرترین بخش جنبش طبقاتی بر تحمیل رادیکالترین و گسترده ترین "اصلاحات" به نفع طبقه خود و وادار کردن دشمن طبقاتی و دولت به عقب نشینی تاکید میکند. به منظور دستیابی به موقعیت معیشتی و اقتصادی بهتر طبقه کارگر، و همچنین به منظور پیش گیری قاطع از یورش بی وقفه و گستاخانه دولت و سرمایه دارن به سفره بی رونق کارگران و شهروندان، جنبش ما موظف است در صف مقدم مبارزه اقتصادی طبقه کارگر قرار بگیرد. از این جهت و با این افق سوسیالیستی و کارگری ما با تمام قدرت برای افزایش حداقل دستمزد جنبشمان، و تحمیل بیشترین مطالبات خود به نظام وحشی حاکم اسلامی سرمایه داری، بر سازماندهی فوری و به میدان آمدن کل طبقه حول افزایش حداقل دستمزد به میزان ۵ میلیون تومان برای سال ۹۷ تاکید میکنیم.

حزب سوسیالیست انقلابی در راستای سیاست و تلاشهای تا کنونی خود، از جمله در زمینه افزایش حداقل دستمزد سال ۹۷، که همواره به ضرورت افزایش حداقل دستمزد ۴-۵ میلیون تومان تاکید کرده ایم، از چندین ماه پیش تلاش وقیحانه و مضحک شورای عالی کار و دولت و کارفرمایان را که عملاً مانند سالیان پیش میزان "حداقل دستمزد کارگران" را حتی قبل از موعد مقرر این نمایش دولتی در اسفند ماه، یکجانبه تعیین کرده اند، و بر ضرورت انتخاب فوری نمایندگان کارگری در مراکز مختلف به منظور طرف حساب با دولت و کارفرما و شورای عالی کار همواره تاکید نموده ایم، اکنون با دیدن اطلاعیه اخیر سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و گروه اتحاد بازنشستگان، که روز ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ منتشر شده است، و در آن مطالبه حداقل دستمزد به میزان ۵ میلیون تومان را با استناد به فاکتورهای غیر قابل انکار درخواست نموده است، آنرا در کلیت خود با سیاست و مطالبه خود همسو می دانیم و از آن مطالبه و فراخوان قویا حمایت میکنیم.

باید توجه داشت که به دلیل فضای سیاسی کنونی کشور و اعتراضات گسترده اخیر، موقعیت سیاسی و تناسب قوای کنونی به نسبت سالهای پیشتر امکان بیشتری داده است برای تحمیل مطالبه افزایش دستمزد خود و همچنین تلاش برای اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران علیه دولت و سرمایه داران. از این جهت کلیه نهادها و تشکلهای کارگری، معلمین، بازنشستگان، کارکنان مراکز درمانی و خدماتی و از جمله طبقه کارگر در مراکز کلیدی و صنعتی کشور را دعوت میکنیم تا از آن فراخوان حمایت نمایند و حول مطالبه "حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان برای سال ۹۷" متحدانه به میدان بیایند. اکنون و به این مناسبت نوبت طبقه کارگر ایران است که کلیه جامعه را متوجه حقانیت مطالبات خود کند و آنها را به حمایت از خود به صف بکشد. در اینجا است که سرنوشت پایه ای



آزادی، برابری، حکومت کارگری!



حول مطالبه "افزایش حداقل دستمزد ..."

اوضاع سیاسی و تناسب قوای نامساعد کنونی را میتوان به مسیر مورد انتظار به حرکت در آورد، نه اینکه آنطوری که جریانات حاشیه ای کارگران را هر روز به حمایت از این یا آن اقدام معین کوچک و حاشیه ای فراخوان میدهند.

ما از فعالین عملی، پیشرو و سوسیالیست طبقه کارگر میخواهیم از شرایط سیاسی-اعتراضی جاری در کشور بهترین استفاده را نموده و جنبش ملیونوی طبقه کارگر را حول مطالبه واحد افزایش دستمزد و بر افراشته کردن پرچم سوسیالیستی خود متحد نموده و جنبش

قدرتمندی را در این راستا به حرکت در بیاورند. ما تاکید میکنیم که نباید فقط به اطلاعیه دادن اکتفا نمود. ملزومات و اقدامات عملی چنین جنبشی را بی درنگ باید شروع کرد و راه تدارک اعتراض و تحصن و اعتصاب گسترده و به هم پیوسته را در مراکز مختلف با هدف تحمیل حق بدون چون چرای خود و عقب نشینی کردن به نظام دزد و فاسد و ضد کارگری حاکم بورژوا-اسلامی، به فعالیت خستگی ناپذیر و متحد طبقاتی دست زد. حزب سوسیالیست انقلابی با تمام وجود و قدرت در قدم به قدم این مبارزه همراه با کلیه فعالین و تشکلهای مبارز و رادیکال و پیشرو و سوسیالیستی حضور خواهد داشت!

حزب در عین حال توجه کل جنبش کارگری و رهبران کمونیست و کارگری، نهادها و تشکلهای انقلابی کارگران را به مطالبات مرتبط به مبارزه ما برای تحمیل حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان برای سال ۹۷، جلب میکند:

- ۱- ما تاکید میکنیم که مبارزه برای افزایش دستمزد نیز باید بدون هیچ تبعیضی شامل کارگران خارجی و خارجیان مقیم کشور گردد. حزب سوسیالیست انقلابی ایران مدافع برابری کامل حقوقی همه کارگران در کشور، مستقل از تابعیت، ملیت، مذهب، جنسیت و غیره است.
- ۲- مبارزه برای افزایش دستمزد جدا از آزادی کامل و بی قید و شرط تشکل و تحزب کارگران نیست! پرچم حق تشکل مستقل از دولت و کارفرما را باید در این دوره بر افراشته تر کرد.
- ۳- تعیین حداقل دستمزد در صلاحیت نمایندگان کارگران است. خانه کارگر، شوراهای اسلامی، انجمنهای صنفی و شورای عالی کار هیچ ربطی به طبقه کارگر ایران ندارند! تصمیم شورای عالی کار برای طبقه کارگر ایران فاقد اعتبار است.
- ۴- مزد برابر برای زنان و مردن در ازاء کار مشابه.
- ۵- آزادی کامل و بی قید و شرط حق اعتصاب. هیچ دلیلی و توجیهاتی نباید این حق اولیه مبارزه و اعتراض را از ما کارگران سلب کند!
- ۶- ورود و دخالت نیروی نظامی و انتظامی به محل اعتراض و اعتصاب کارگران در محل کار بعنوان اقدام جنایتکارانه محسوب گردد.
- ۷- ممنوعیت اضافه کاری. دستمزد عادی کارگران باید در حدی باشد که هیچ کارگری از سر نیاز اقتصادی ناگزیر به تن دادن به اضافه کاری نشود. - ممنوعیت هرگونه کار - مزدی، نظیر قطعه کاری و کار کنتراتی.
- ۸- بالارفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم. شاخصهای تعیین میزان تورم در صلاحیت نمایندگان کارگران است نه دولت و کارفرما.
- ۹- ممنوعیت پرداخت دستمزد جنسی و غیر نقدی. ممنوعیت تاخیر در پرداخت دستمزد، ندادن حقوق کار انجام شده کارگر جرم است و باید کارفرما فوری مورد پیگرد قرار بگیرد. ممنوعیت هر نوع کسر دستمزد و جریمه به بهانه های مختلف. پرداخت حقوق برای غیبت های موجه، دوران بیماری و نقاهت، ایام اعتصاب و یا هر نوع توقف تولید بدلائل مختلف و یا به بهانه های کارفرما.
- ۱۰- ممنوعیت اخراج. پرداخت کامل آخرین حقوق دریافتی به کارگرانی که بنگاه آنها تعطیل میشود تا مقطع اشتغال به شغل جدید. موظف شدن دولت به پیدا کردن مشاغل مشابه برای کارگرانی که به دلیل تعطیلی بنگاه ها بیکار میشوند.
- ۱۱- بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده به کار بالای ۱۶ سال بر مبنای آخرین حقوق دریافتی. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که بعلل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند. بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج آن رخ داده باشد.
- ۱۲- پرداخت حقوق کامل بازنشستگی به کارگرانی که در نتیجه صدمات ناشی از کار توانایی کار کردن را از دست میدهند.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

مرگ بر جمهوری اسلامی به مثابه وحشی ترین دولت سرمایه داری حاکم!

زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist@gmail.com

www.simroz.org

۲۱ بهمن ۱۳۹۶

۱۰ فوریه ۲۰۱۸

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

بیانیه مشترک در باره حداقل دستمزد در سال ۱۳۹۷

هم در محاسبه بگنجانیم. در این صورت حداقل دستمزد لازم برای تأمین زندگی یک خانوار ۴ نفره در سال ۱۳۹۷ به ۵ میلیون تومان در ماه بالغ می‌گردد. اقتصاد ایران به رغم تمام نابسامانی‌ها و کاستی‌هایش توان پرداخت چنین مزدی را دارد و توجیحات مقامات دولتی در رابطه با عدم توان پرداخت این مبلغ فریبکاری‌ای بیش نیست.

۲- بانک مرکزی و مرکز آمار هر سال تورم را کمتر از تورم واقعی اعلام می‌کنند. حتی اگر از سال ۱۳۵۸ تاکنون مزدها به تناسب تورمی که بانک مرکزی اعلام می‌کند افزایش یافته بودند باز هم دستمزد حداقلی که به این ترتیب برای سال ۱۳۹۷ ممکن است تعیین گردد از خط فقر مطلق در این سال که ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌باشد؛ پایین‌تر خواهد بود.

۳- حداقل دستمزد، و به طور کلی سطح مزدها در ایران، یکی از پائین‌ترین‌ها در جهان است و این در حالی است که قیمت بسیاری از اقلام کالاهای مصرفی و خدمات - حتی دولتی - با قیمت‌های جهانی برابری می‌کند.

با توجه به همه آنچه گفته شد از نظر امضا کنندگان این بیانیه، حداقل دستمزد سال ۱۳۹۷ نمی‌تواند از ۵ میلیون تومان در ماه کمتر باشد.

ما از همه کارگران، معلمان، پرستاران و دیگر کارکنان بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، از تمام کارمندان زحمتکش مؤسسات خصوصی و دولتی، از تمام بازنشستگان در سراسر کشور دعوت می‌کنیم خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان را با همه کارگران و مزدبگیران به پیش ببرند و بحق بودن، ضرورت و امکان آن را توضیح دهند.

سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه
سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه
گروه اتحاد بازنشستگان
۱۵ بهمن ۱۳۹۶
t.me/vahedsyndica

	iransocialist2017@gmail.com	www.simroz.org	
	۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ /	۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ /	۰۰۴۶۷۲۳۴۹۶۸۳

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیت‌توانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی جنبش حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میدانی شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروه‌های مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

روند تصمیم‌گیری در باره تعیین حداقل دستمزد ۱۳۹۷ و افزایش عمومی مزدها در شرایطی آغاز می‌شود که به گفته‌ی برخی از دست‌اندرکاران دولتی کارد به استخوان مردم، بویژه کارگران و حقوق‌بگیران رسیده است. امسال نیز، مانند سال‌های گذشته، در مذاکرات مربوط به مزد و تصمیم‌گیری در مورد یکی از بنیادی‌ترین مسئله‌ی زندگی کارگران و حقوق‌بگیران نمایندگان واقعی آن‌ها حضور ندارند، و به روال سال‌های گذشته، مقامات دولتی و نمایندگان کارفرمایان در نهادهای تعیین‌مزد یک جانبه به نفع دولت و کارفرمایان تصمیم می‌گیرند.

در سال ۱۳۹۶، باز هم قدرت خرید کارگران به شدت سقوط کرده، ایمنی کار و اطمینان به آینده، بیش از پیش به وخامت گرائیده و یکه تازی و خودکامگی کارفرمایان بنگاه‌های خصوصی و دولتی، که از حمایت دستگاه‌های قضائی و انتظامی و امنیتی برخوردارند، ابعاد گسترده‌تر و خشن‌تری به خود گرفته است. هر اعتراض کارگری به شرایط نامناسب در محیط کار با برخورد امنیتی و پلیسی مواجه می‌شود. جمعیت بیکاران به ۶ میلیون نفر می‌رسد که اکثریت مطلق آنها حقوق بیکاری دریافت نمی‌کنند. به رغم وعده‌های داده شده در مورد ایجاد اشتغال، هر روز بر شمار انبوه بیکاران افزوده می‌شود. حقوق صدها هزار کارگر در بنگاه‌های صنعتی و اداری خصوصی و دولتی ماه‌ها به تعویق می‌افتد و کارفرماها با استفاده از ظرفیت‌های نهفته در قانون و حمایت دستگاه قضائی از پرداخت مزد نیروهای کار سرباز زده و کارگران معترض را اخراج و به شلاق و زندان محکوم می‌کنند. انواع تبعیض‌های جنسیتی، مذهبی، ملی و قومی در محیط کار بیداد می‌کند. استفاده‌ی غیر انسانی از کار کودکان و بازنشستگان با مزدهایی بسیار کمتر از حداقل مصوب و همچنین با اعمال دستمزدهای نابرابر به زنان کارگر نسبت به مردان و اعمال ستم مضاعف بر بخش بزرگی از طبقه کارگر، بر شدت سرکوب دستمزدها می‌افزاید.

در بحث حداقل دستمزد کارگران و سطح عمومی مزدها در ایران، با واقعیت‌های انکارناپذیری روبرو هستیم که بر زندگی تمامی حقوق‌بگیران حاکم است و به روشنی تمام خود را نشان می‌دهد؛ برخی از آنها چنین اند:

۱- طبق سند بررسی هزینه خانوار بانک مرکزی برای سال ۱۳۹۵، متوسط هزینه‌ی یک خانوار شهری با میانگین ۳/۳۳ (سه و سی و سه صدم) نفر معادل ۳ میلیون و ۲۷۵ هزار تومان در ماه اعلام گردید. این مبلغ برای خانوار شهری ۴ نفره به بیش از ۳ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان در ماه می‌رسد. به منظور برآورد مزد و حقوق لازم برای تأمین زندگی یک خانوار شهری ۴ نفره در سال ۱۳۹۷، باید تورم سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ را

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!



سلام زیجی

اجازه نمی دهیم رویداد سال ۵۷ را دوباره به ما تحمیل کنند

(گفتگویی "سوسیالیسم امروز" با رفقا سلام زیجی و عزیز آجیکند به مناسب سالگرد انقلاب ۱۳۵۷ ایران)



عزیز آجیکند

درباره زمینه و خصلت انقلاب ۵۷ بنظرم مانند کلیه انقلابات و خیزشهای توده ای و کارگری که صفت انقلابی بر خود دارند، اعتراض طبقه محروم و کارگر و هدف و خصلت محوری آن انقلاب آزادیخواهانه بود. چنین قیامهای آزادیخواهانه ای که از پائین جامعه شروع میگردد هدف آنها سرنگونی کلیت نظام حاکم و پرچم آزادی و برابری و رفاه و ضد استبدادی را در دست خواهد داشت. معمولا مرکز شروع و خروش آن نیز محلات فقیر نشین و مراکز کارگری و توسط توده های محرومان و کارگران و نسل جوان روشنفکر مترقی و متعلق به آن طبقه و در یک کلام توسط جنبش های مترقی و آزادیخواهانه و سوسیالیستی و کمونیستی شروع میگردد. اتفاقی که ما در سال ۵۷ شاهدش بودیم، اما مانند بخش اعظم این نوع انقلابات و حرکتهای آزادیخواهانه به دلیل ناتوانی سیاسی، فکری، سازمانی، خصلت غیر کمونیستی و پوپولیستی ناظر بر جنبش چپ و بی اشتباهی و ترسش از کسب قدرت سیاسی - دولتی، هم کل روند به بیراه میروند و هم خود نیروی چپ و انقلاب کنندگان در صف اول قربانیان دست توهمات خود و به قدرت رسیدن جنبش و حزب و طبقه دیگری خواهند بود، تا جایی که به خود ما برمیگردد این مشکل پایه ای و ویرانگر سال ۵۷ جنبش ما برای سرنگونی استبداد شاهنشاهی و روند بعداز آن بود!

بعداز اصلاحات ارضی و روی آوری جمعیت کثیری به شهرها که با خود میلیونها کارگر و مراکز وسیع حاشیه نشینی و بیکاری به همراه داشت، نظام کاپیتالیستی تازه به دوران رسیده تحت حاکمیت نظام پادشاهی قادر به پاسخگویی به این تحولات نبود، و به مرور زمان جدال طبقاتی در جامعه نوین کارگری و رشد یافته سرمایه داری در شکل جدال و کشمکش با حاکمیت، ساواک، و شاه، به واقعیت کشمکش های اجتماعی و طبقاتی در آن دوران تبدیل شد. شروع دهه پنجاه شمسی مصادف شد با شروع بحران و تعمیق کشمکشهای اجتماعی و طبقاتی که نظام سرمایه داری پادشاهی میخواست از راه سرکوب و ریاضت اقتصادی و نیروی کار ارزان "ایران را به یک کشور مدرن در جهان" تبدیل کند که سرشان به بحران و سنگ خورد. و در نهایت سرنگون شدند. وجود نابرابری اقتصادی و تعمیق فاصله طبقاتی، فقر، گرانی و بیکاری و تبعیض های گسترده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نظام حاکم سرمایه داری پادشاهی، اعمال یک حاکمیت به شدت خشن پلیسی و امنیتی، سازماندهی توحش در زندان و انواع اعدام و شکنجه و ترور، ممنوع کردن هر نوع

سوسیالیسم امروز: مهمترین زمینه های انقلاب سال ۵۷ علیه نظام استبدادی سلطنتی چه بود، و اکنون بعداز ۳۹ سال گذار از آن تجربه و تاریخ، حزب سوسیالیست انقلابی ایران چه چشم اندازی برای وقوع انقلاب دیگری علیه جمهوری اسلامی، به عنوان رژیمی که جانشین رژیم پادشاهی در سال ۵۷ گردید، دارد؟

سلام زیجی: برای بررسی جامع روند انقلاب ۵۷، و همچنین عواملها و فاکتورهای وقوع و شکست آن میتوان بطور مفصل نوشت. و البته هر جنبش و نیروی از منظر جنبش و منفعت طبقاتی خودش به وقایع تاریخی مینگردد و از این رو نیز در صدد بررسی سیاستها و درسهای که باید اتخاذ کنند و بگیرند به آن وقایع برخورد می نمایند. در تحولات اخیر دیمه که با اعتراضات گسترده مواجه شدیم هر نیرو و جنبشی یکبار دیگر به آن تاریخ برگشت و در صدد هدایت اعتراضات و دخالت در آن بر اساس همان تجارب سال ۵۷ و ۳۹ سال گذشته و دیگر تحولات منطقه و جهانی قد علم کردند. ما به سهم خود به عنوان یک جریان روشن بین کارگری و سوسیالیستی بسیار متفاوتتر از بقیه به حقیقتهای آن دوران پرداختیم و گفتیم نباید آن تاریخ تکرار گردد چرا که همچنانکه شما هم اشاره کرده اید متاسفانه جمهوری جنایت اسلامی از انقلابی آزادیخواهانه سال ۵۷ "بیرون آمد" که نمی بایست چنین باشد!

در چند اطلاعیه و مقاله و میزگرد و گفتگویی تلویزیونی نیز به سهم خود به جوانب مختلف آن تحولات از زاویه طبقه کارگر و جنبشی که تاریخ واقعی انقلاب ۵۷ و شکست استبداد پادشاهی را رقم زد اما به دلیل نا آمادگی و ضعفهایش نتوانست آنرا به نفع خود رقم بزند و خودش قربانی دست پرورده دولتها و نیروهای دست راستی و اسلامی قرار گرفت و میدان را باخت، پرداخته ایم و همه اینها در سایت سوسیالیسم امروز و دیگر رسانهها قابل دسترس هستند. گفته ایم چرا متاسفانه حاکمیت دست جریان به مراتب ارتجاعی تر و وحشی تر از رژیم شاه افتاد. بازخوانی مجدد همه آن حقایق بسیار سرنوشت سازتر است برای جامعه و طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی چرا که دیر یا زود ما باید تلاش و آرزوی سرنگونی جمهوری اسلامی را به واقعیت امر تبدیل کنیم و این ضرورت به میدان آمدن نسل و جریان رزمنده و متفاوت و کاملا فاصله گرفته از اشتباهات دوره سال ۵۷ را لازم دارد، اگر بخواهد اینبار پیروز گردد.

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!



کشور ایران، دوبار، دو تجربه، و دو آلترناتیو ارتجاعی را در عرض یکصد سال اخیر تجربه کرده است. هم تاریخ سیستم عقب مانده و سرکوب گر شوینستی- سلطنتی و هم تاریخ عقب مانده تر و قرون وسطی تر و جانی تر از نوع حکومت اسلامی. هر دو تجربه، تجربه مملو از خون و کشتار، و استبداد و جنایت و زندان و شکنجه و اعدام و بی حقوقی و زدن آزادی و برابری و رفاه جامعه است، هر دو ضد کارگری و کمونیستی، هر دو حافظ یک مشت سرمایه دار انگل و سرکوبگر و دزد و فاسد. اکنون نوبت این است که کارگر و جنبش سوسیالیستی مدعی باشد! باید به میدان بیاد، باید قدرت را بگیرد. راه قدرت یابی اش نیز دقیقاً پیگیری و پایی فشاری بر صف مستقل طبقاتی خود، به یک سیاست روشن، شفاف و انقلابی، درس گرفتن از تجربه سال ۵۷، پرهیز از پوپولیسم بازی و "همه با هم" بودهای فریبکارانه، و دست بردن به ابزارهای سرنگونی طلبانه به شیوه انقلابی در بعد کارگری، توده ای، حزبی، مسلحانه، و اتکا صرف به مبارزه و سیاست و صف مستقل و واحد سوسیالیستی جنبش خود

Iransocialist2017@gmail.com

است، نه هر نوع "انقلابی"، مانند "انقلابات مخملی"، و یا تغییر حاکمیتها از طریق "رژیم چنج" و دخالت قدرتهای امپریالیستی یا در اثر دعوا و فروپاشی و کودتاه از درون صفوف خود طبقه حاکمه بورژوائی، اینها اگر اسمشان انقلاب باشد انقلابات ارتجاعی و از بالا و بدون دخالت واقعی انقلابیون و رهبری و هژمونی رادیکال و آزادیخواهی و سوسیالیستی "پائینها" صورت میگیرد. کشورهای "بهار عربی" و دست بدست شدن بخشی از استبدادهای حاکم و جایگزینی شان به مستبدین دیگری و همچنین تحمیل جنگ و سناریو سیاه طولانی مدت در کشورهای منطقه خود بخشی از این تحولات ضد انقلابی هستند که برخی آنرا "انقلاب" نامگذاری کرده اند، همانطوری که در طول ۳۹ سال اخیر برخی از این جریانات اپوزسیون چپی و ملی و اسلامیکرا نیز حداقل ۳۹ بار اسم هر حرکتی ولو ارتجاعی را نیز در ایران انقلاب گذاشتند تا واقعیت انقلابی و زیور و رو کننده عمل انقلابی و اجتماعی کارگری و آزادیخواهانه را لوس و تحریف نمایند. همانگونه که مفاهیم سیاسی و طبقاتی خیلی پدیده های دیگر انقلابی را نیز به نفع جنبش راست و

اجازه نمی دهیم رویداد سال ۵۷ ...

فعالیت آزاد سیاسی و رسانه ای، اجازه ندادن به ابراز وجود احزاب مخالف سیاسی، شکل دادن به حاکمیتی بر مبنای شونیسیم فارس، نفرت پراکنی و سرکوب وحشیانه علیه هر شکلی از آزادیخواهی و کمونیسم، سرکوب و تبعیض علیه اقلیتهای اجتماعی، فرهنگ و زبانی دیگر در جامعه و بلاخره بر بستر فقر گسترده در جامعه در راستای گسترش کاپیتالیسم و منفعت یک اقلیت که آشکارا سرگرم یک زندگی مجلل و مفت خوری و اعیان نشینی و عیاشی و فساد و دزدی از جانب خاندان شاه و طرفداران آنها، همه و همه عواملها و زمینهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وقوع انقلاب ۵۷ علیه نظام قرون وسطی و مستبد شاهنشاهی را فراهم کرد.

بعد از اصلاحات ارضی و روی آوری جمعیت کثیری به شهرها که با خود میلیونها کارگر و مراکز وسیع حاشیه نشینی و بیکاری به همراه داشت، نظام کاپیتالیستی تازه به دوران رسیده تحت حاکمیت نظام پادشاهی قادر به پاسخگویی به این تحولات نبود، و به مرور زمان جدال طبقاتی در جامعه نوین کارگری و رشد یافته سرمایه داری در شکل جدال و کشمکش با حاکمیت، ساواک، و شاه، به واقعیت کشمکش های اجتماعی و طبقاتی در آن دوران تبدیل شد. شروع دهه پنجاه شمسی مصادف شد با شروع بحران و تعمیق کشمکتهای اجتماعی و طبقاتی که نظام سرمایه داری پادشاهی میخواست از راه سرکوب و ریاضت اقتصادی و نیروی کار ارزان "ایران را به یک کشور مدرن در جهان" تبدیل کنند که سرشان به بحران و سنگ خورد. و در نهایت سرنگون شدند. وجود نابرابری اقتصادی و تعمیق فاصله طبقاتی، فقر، گرانی و بیکاری و تبعیض های گسترده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نظام حاکم سرمایه داری پادشاهی، اعمال یک حاکمیت به شدت خشن پلیسی و امنیتی، سازماندهی توحش در زندان و انواع اعدام و شکنجه و ترور، ممنوع کردن هر نوع فعالیت آزاد سیاسی و رسانه ای، اجازه ندادن به ابراز وجود احزاب مخالف سیاسی، شکل دادن به حاکمیتی بر مبنای شونیسیم فارس، نفرت پراکنی و سرکوب وحشیانه علیه هر شکلی از آزادیخواهی و کمونیسم، سرکوب و تبعیض علیه اقلیتهای اجتماعی، فرهنگ و زبانی دیگر در جامعه و بلاخره بر بستر فقر گسترده در جامعه در راستای گسترش کاپیتالیسم و منفعت یک اقلیت که آشکارا سرگرم یک زندگی مجلل و مفت خوری و اعیان نشینی و عیاشی و فساد و دزدی از جانب خاندان شاه و طرفداران آنها، همه و همه عواملها و زمینهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وقوع انقلاب ۵۷ علیه نظام قرون وسطی و مستبد شاهنشاهی را فراهم کرد.

همچنانکه اشاره شد نیروی محرکه و مفهوم آزادیخواهانه و بستر اصلی چنین انقلابهای انقلابی نیز اساساً طبقه کارگر و مردم زحمتکش و مبارز شکل میدهند. روشن است بحث ما در باره انقلابات واقعی و طبیعی شکل گرفته از پائین جامعه علیه دولت و حاکمیت سرمایه داران و نمایندگان سیاسی آنها در قالب دولت چه در شکل "ملی" و چه در شکل "اسلامی"

چپ و سوسیالیستی و آلترناتیو قطب کارگری و کمونیستی را نه تنها تامین نمایند که بخش زیادی از آنها من تردیدی ندارم همان نقش چپی را ایفا میکنند که در سال ۵۷ چپ سنتی و پوپولیست و دنباله رو ایفا نمودند.

یعنی بخشا به نیروی جنبشهای دیگر و حتی به زیر عبای جنبش و نیروهای دست راستی خواهند رفت. همزمان ما باید فاکتور بسیار مهم دیگری را نیز در این دوره در نظر بگیریم که در سال ۵۷ با آن روبرو نبودیم، آنهم وجود یک کمربند گسترده از جنایت و تروریسم و جنگ و حضور قلدنرمنشانه امریکا و روسیه و دولتهای همپیمان آنها که همه شان علیه روند چپ و آزادیخواهی و کارگری و مانع قدرت گیری طبقه کارگر و آلترناتیو سوسیالیستی هستند. به این فاکتورها دوباره باید فاکتور مخربتر اپوزسیون راست ملی گرا و اسلامی که بنظرم در صورت ضعیف بودن صف کارگری و سوسیالیستی

میتوانند هزار برابر پر مخاطره تر باشند از دوره ای که بخشی از اینها رفتن زیر عبای خمینی برای سرکوب انقلاب ۵۷.

برای آنکه متوجه تنگنای من شوید قلم و کاغذ بردارید و اسامی ضد انقلابیون و نیروهای مخاطره آمیز و دست سازدولتهای دیگر را از فدرالیست چپهای قومی کرد و آذری تا مجاهدین و نیروهای وابسته به رژیم فاسد پهلوی و شونیزم و ناسیونالیسم عظمت طلب فارس و غیره و انواع جریانات سنی و شعیبه مسلح کنونی را اضافه کنید که بدون تردید حاضرند برای سهم شدن در قدرت آتی و تسلط بر یک مرکز و شهری هر کوچه و پس کوچه ای را درست مانند سوریه امروز بر سر مردم ایران ویران کنند.

بیان این حقایق به معنی فرار از نبرد انقلابی برای کسب پیروزی نیست! دقیقا بر عکس برای تاکید بر فوریت تدارک ملزومات بسیار گسترده و ملیتانت و متشکل و متحزبی است که قادر باشد اوضاع را به نفع خود و آینده آزادی و برابری کلیه شهروندان رقم بزند. بدون چنین آمادگی و تلاش سخت سوسیالیستی و انقلابی کلاه همه کارگران و زنان و جوانان و کمونیستها و سوسیالیستها و مردم تشنه آزادی و برابری پس معرکه است!

بدین ترتیب روشن بگویم متاسفانه فعلا و هنوز وجود یک چشم نداز روشن برای شروع یک انقلاب پیشرو و رادیکال و کوبنده که تحت هژمونی روند سوسیالیستی و کارگری باشد بسیار نا آماده و ضعیف دیده میشود. به بیان دیگر بگویم روزنه پیروزی کمونیزم و کارگر در این مقطع، به دلیل عواملها و کمبودهای جدی که اشاره کردم، متاسفانه با وجود همه عاملهای مثبت توده ای و کارگری و با وجود نفرت گسترده و عمیق که از جمهوری اسلامی وجود دارد، شانس پیروزی اش اکنون کم است. توجه داشته باشید من در باره چشم انداز روند سرنگونی انقلابی که آینده آن به نفع کارگر و سوسیالیسم و آزادیخواهان تمام گردد

اجازه نمی دهیم رویداد سال ۵۷ ...

پوپولیستی از طرف بخشی از خود چپ تماما از محتوا تو خالی شده اند. اخیرا هم بعد از اعتراضات دیماه شیپور "انقلاب شروع شد" را هم از سوی بخشی از چپ هیپروت شنیده و هنوز هم میشنویم و هم از جانب امثال مرتجعین ضد انقلاب واقعی چون مجاهد و وابستگان جریان سلطنت طلب.



در اینجا لازم به تاکید می دانم که اکنون تمرکز روی اینکه چرا چنین انقلابی به چنین سرنوشتی تبدیل گردیده، باید محکی برای درس گرفتن های بهتر و بیان صادقانه نقد و اقرار اشتباهات باشد، میتواند نور افکن آینده را روشنتر کند، زمینه هر چه باشد امروز متاسفانه ما با یک ۵۷ انقلاب مواجه ۵۷ ساله در تاریخ بعد از قیام ۳۹ شکست هستیم و بسیار پر هزینه بوده و باید راه تکرار آنرا در ایران مسدود کرد

چشم انداز حزب ما برای وقوع یک انقلاب دیگر، دوباره تاکید کنیم منظور یک انقلاب انقلابی متعلق به کارگران و مردم تشنه آزادی و برابری و رفاه و امنیت، و به هدف استقرار نظام سوسیالیستی تماما در گرو درس گرفتن جدی ما از انقلاب ۵۷، در گرو عروج متشکل و متحزب طبقه کارگر، در گرو تبدیل شدن احزاب مانند حزب سوسیالیست انقلابی به عنوان یک حزب سیاسی بزرگ تودی ای-کارگری و آماده برای نبرد جدی سیاسی، اقتصادی و نظامی با جمهوری اسلامی و کلیت نیروهای راست ملی و اسلامی که دست به اسلحه دارند و میتوانند در تند و بیچ سیاسی امنیت و آرامش جامعه را به هم بزنند، در گرو تدارک همه ملزومات ضروری و فوری سرنگونی جمهوری اسلامی است! ما معتقد هستیم بدون وجود چنین آمادگی هر شکلی از سرنگونی یا انقلاب، علیه جمهوری اسلامی حتی به وقوع هم بیوندند در بهترین حالت ممکن کارگر و زنان و جوان مبارز و سوسیالیستها و کمونیستهای انقلابی همان چیزی بدست خواهد آورد که سال ۵۷ تا کنون بدست آورده است. ما یک نیروی واقع بین هستیم از هیاهو و پوپولیسم بازی و جنجال و خود فریبی خوشمان نمی آید. فکر میکنیم برای پیروزی قطعی کامل بر جمهوری اسلامی و دست یافتن به آزادی و سوسیالیسم باید هزاران بار بیشتر از موقیت کنونی از هر نظر آماده تر شد!

تردیدی نیست که خواست سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران بسیار عمیق و گسترده است، اما در عین حال از یکطرف موقعیت که جمهوری اسلامی نیز بدست آورده، و ابزار گسترده سرکوب و مسلح و تروریستی که بسیج نموده مانده دوره شاه نیست که به آسانی و با چند تظاهرات خیابانی و به زبان خوش قدرت را رها کند، حداقل برای طبقه کارگر و نیروی چپ به آسانی رها نخواهد کرد. از سوی دیگر بنظر من اپوزسیون بطور کلی و بطور مشخص اپوزسیون چپ در این مقطع هنوز توان و ظرفیت و آمادگی سیاسی و سازمانی ندارند که هژمونی

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

اجازه نمی دهیم رویداد سال ۵۷ ...

صحبت میکنم نه هر نوع "سرنگونی" یا فروپاشی که به هر دلیلی دیگری ممکن است اتفاق بیفتد، مثلاً با مرگ خامنه ای و یا عوامل مشابه ای که ربطی به اراده سازمانیافته ما انقلابیون نداشته باشد.

میرسد این جمهوری اسلامی خوب به داد توجیهاات بی عملی اینها رسیده است. این تجارب نشان میدهد حتی گاهها سیاست بسیار شفاف و کلمه به کلمه کمونیستی نیست که میتواند جامعه و مقاومت و نبرد جدی را سرو سامان داد. یا حداقل با داشتن "سیاست کمونیستی" بدون پراکتیک انقلابی نمیتوان سنگی روی سنگی گذاشت. وجود اراده و از خود گذشتی و عبور از زندگی مجال و راحت طلبی و جسارت رهبری داشتن و غیره نیز بخش مهمی از ملزومات انجام هر عمل انقلابی و یا نیمچه انقلابی در جامعه است. من "رهبرانی" را میشناسم که حقیقتاً دو روز حتی عرق هم نریخته و معنی گرسنگی هم نمی فهمند چه رسد به پراکتیک انقلابی و کمونیستی، اما برای تعدادی همینها یک پیغمبر تمام عیار هستند. تا این فرهنگ بورژوائی به اسم "چپ" وجود داشته باشد نباید به چنین سازمانها و افرادش هیچ امیدی داشت.



حزب ما دقیقاً در اعتراض و در نقد به چنین شرایطی پا به میدان گذاشته است که نباید به چنین اوضاع و هیاهوهای ملال آور چندین دهه شعار دادن اکتفا نمود، باید به میدان آمد و ابزارهای سرنگونی رژیم را درست کرد، باید رفت و جنگید و سرنگون کرد و پای هزینه اش هم ایستاد. در اعتراض به این تناقض واقعی که ۳۹ سال است کارگر و زن و جوان آزادیخواه با یک نظام ضد خودش دست و پنجه نرم میکند و صدها هزار قربانی داده است، اما هنوز ما موفق نشده ایم دو قدم جدی رژیم را به عقب واداریم و یا دو حزب واقعا مصمم و جدی و بزرگ سیاسی و انقلابی و جنگجو را از هر نظر سازمان بدهیم. ما اپوزسیونهایی داریم که رهبریشان را واقعا باید مانند خود سیستم و افرادی که در حاکمیت جمهوری اسلامی یا هر دولت دیگری در منطقه حاکم است با زور "سرنگون" کرد، خودشان نه رفتنی اند نه هرگز در قبال هیچ اشتباه و خطای مسئولیتی بر عهده می گیرند. احزاب و "رهبرانی" داریم ۴۰ سال است حکایت میگویند و مرتکب اشتبا و خطا میشوند به ویژه از جانب رهبری مادامعمرشان، هر روز با قول سرنگونی نیرویش را شارژ میکنند، اما مرتباً خودش در انشعاب و عقب نشینی است، و جالب است در پی همه این ناکامی ها بجای کناره گیری و قبول مسئولیت بیشتر سر حال میشوند! علاوه بر سنت سیاسی و افق و غیره یک علل اصلی دیگری که چنین موقعیتی را به وجود آورده است وجود تعدادی "کادرها" و سیاسی کارهایی است که متاسفانه به جای سیاست و آرمان و شفافیت کمونیستی به محفل و سنت و شخصیت پرستی عادت گرفته و متکی است. در نتیجه چنین روند و سنتی که رد پای آن و عوارض منفی اش برای جنبشمان را از سال ۵۷ تا امروز در بیشتر احزاب میتوانیم ببینیم حتی مانع اتحاد صفوف کمونیستها و ایجاد احزاب بزرگ رزمنده سیاسی و غیره نیز شده است!

در هر صورت ما امیدواریم فضای سیاسی اعتراضی جدیدی که به وجود آمده به عروج جنبش انقلابی کارگری و زنان و جوانان منجر گردد، ما امیدواریم احزاب سیاسی و مترقی و سوسیالیستی و کارگری جدید شکل بگیرد، ما امیدواریم حزب ما به یک حزب بزرگ سیاسی، رزمنده، انقلابی، کارگری، مورد انتخاب میلیونها انسان مبارز قرار بگیرد. و ما امیدواریم کلیه ابزارهای نبرد با رژیم هار اسلامی را بتوانیم بسازیم. اگر این امیدواریهای ما به واقعیت مادی در زمین صفت مبارزه تبدیل گردد آنگاه تردیدی نداریم که هر نوع اعتراض و شکلی از جنبش آزادیخواهان و سرنگونی طلبانه ای که صورت بگیرد، یا هر سطحی از مخاطرات نیروهای مسلح اسلامی و قومی در تحولات پیشرو وجود داشته باشد، هر اندازه خود رژیم دارای نیروی سرکوب باشد و به سرکوبگریش ادامه بدهد، ما مطمئن هستیم از عهده همه شان بر خواهیم آمد.

خواستم تاکید کنم برای شروع نبرد واقعی سرنگونی طلبانه با چنین رژیمی نیازمند سازماندهی احزاب نوین سیاسی و انقلابی هستیم نیازمند تغییر ساختاری فوری و تغییر در نگرش و سنت ۹۹ درصد کلیه احزاب و نیروهای موجود از جمله طیف چپ هستیم. جامعه وقتی میتواند به میدان نبرد نهایی قدم بگذارد که وجود واقعی یک مجموعه احزاب مسئول و جدی، و یا یک آلترناتیو روشن و انقلابی و سوسیالیستی را سراغ داشته باشد و به آن اعتماد کند. نمیشود همینطوری در تاریکی سنگ پرتاب کرد! اگر کسی از حرفهای من دلخور است و یا از نظر فرهنگی برایش سخت است قبول چنین واقعتهای، لطفاً توضیح دهند چرا جریان با سابقه و خیلی کمونیستی آنها توان سازماندهی یک مقاومت از نوع کوبانی و عفرین را ندارند؟ مگر جمهوری اسلامی و جناپتش چه چیزش از داعش و ترکیه کمتر است؟ همه اش "فضای سرکوب باعث شده است!" بنظر

اجازه نمی دهیم رویداد سال ۵۷ ...

سوسیالیسم امروز: چهار دهه از انقلاب سال ۵۷ را

سپری میکنیم، شما این انقلاب را چگونه ارزیابی میکنید و آیا جمهوری اسلامی میتواند با بحرانهایی که دامن گیرش است وارد پنجمین دهه حاکمیت پراز جنایت خود شود؟ و آیا نسل جدید جامعه امروز میتواند برانداز باشد؟

عزیز آجیکند: گاها امروز تمام آندسته از مردمانی که

به نسل انقلاب سال ۱۳۵۷ موسوم هستند، در برابر این پرسش قرار میگیرند که چرا انقلاب کردید؟ هدف شما از انقلاب و براندازی حکومت شاه چه بود؟ چرا این انقلاب به عمر دیکتاتوری در ایران پایانی نبخشید؟ دیکتاتوری رفت و دیکتاتوری آمد و عملا ایران به جای پانهادن به دنیای مدرن به عقب برگشت و تا به امروز نیز این دیکتاتوری و این عقب افتادگی بر زندگی مردم سایه افکننده است!؟

قیام ۲۲ بهمن ۵۷ نقطه درخشانی در پرونده نسلی از مردمان به پاخاسته ای است که در سال ۵۷ به میدان آمدند و قیام کردند. این نسل از جان گذشته در یک پروسه یکساله با تظاهرات های روزانه، اعتصابات سراسری کارگری و بویژه اعتصاب شرکت نفت، حکومت شاه را سرنگون کردند. قیام مردمان زحمتکش در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن به این سرنگونی قطعیت بخشید و به عمر پر از جنایت حکومت فاسد سلطنتی پایان داد و طومار حکومت ۲۵۰۰ ساله پهلوی را در هم پیچید. امروز که بار دیگر و بعد از چهار دهه به سالگرد چنین روزهایی نزدیک میشویم، جا دارد یک بار دیگر و اما اینبار از زبان نسلی این انقلاب را ارزیابی کنیم که بعد از این انقلاب به پا خاست و قربانی داد.

این انقلاب آنچه که در نظرها بود و مردم برای آن هزینه داده بودند پیش نرفت و متاسفانه حکومتی سرکارآمد که عملا به یک حکومت سرکوبگر مبدل شد و مشروعیت حکومت خود را از سرکوب و خفقان و زندان و شکنجه از مردمانی گرفت که تا دیروز شعار مرگ بر شاه را سر میدادند و برای سرنگونی آن خون داده بودند.

متاسفانه در آن زمان نیروهای مترقی و چپ و سوسیالیست بسیار ضعیف بودند و حرکت اسلامی که از حمایت غرب هم بر خوردار بودیکی از گرایش های نیرومند موجود در جریان شکل گیری انقلاب به حساب می آمد. این گرایش برخلاف گرایش های دیگر، رهبری داشت، نهادهای خود را داشت، پایه های فکری و نظری خود را داشت، متحد و یکپارچه بود. گرایشی که در طی سالیان طولانی همچون دولتی در دولت، در جامعه ایران به حیات خود ادامه داده بود.

و اما سازمانهای چپ به عنوان گرایشی دیگر که برای سرنگونی نظام سلطنتی به میدان آمده بودند، کلاما در سردرگمی به سر میبردند و تصویر روشنی از اهداف برنامه های خود در آن زمان نداشتند. و صد البته پراکندگی سازمانی و سلطه دیدگاههای عموم خلقی بر تفکر و عمل آنها اجازه نداد که استراتژی روشنی در قبال شرایط جدید در پیش گرفته شود. چپ ایران در آن دوره بازتاب وزن اجتماعی خاص خرده بورژوازی در جامعه ی ایران بود و حضور فعال این

در نتیجه با وجود همه انقلابی گری که داریم با وجود تلاش بی وقفه ای که برای سرنگونی رژیم مافیایی اسلامی داریم بخرج میدهم، اما به عنوان یک واقعیت عینی باید بگویم که چشم انداز وقوع یک انقلاب مترقی دیگر و اینکه تضمین کنیم یا تضمین داده شود که سرنوشت مبارزه و "انقلاب" این دوره نیز به سرنوشت انقلاب ۵۷ یا حتی بدتر منجر نگردد، تا زمانی که کمبودهای جدی که گفتم رفع نکنیم، به هیچ عنوان نمیتوان به آن پاسخ مثبت داد.

بنظر من هر نیرو و فردی اگر برآستی بخواهد در فکر "انقلاب" دیگری باشد مادام که بطور قطع در فکر رفع موانعهای موجود و تدارک ابزارهای پیروزی جنبش خود در این انقلاب نباشد، آن نیرو و افراد را نباید جدی و مسئول تلقی کرد. ما برای رفع موانعها سر راه جنبش خود داریم تلاش میکنیم، چرا که تصمیم داریم حاکمیت هیچ دولت و سازمان و آلترناتیو دست راستی دیگری چه در قالب، ملی گرایی، چه فدرالی، و چه مذهبی، را نخواهیم پذیرفت! ما تصمیم داریم فقط برای پیروزی سوسیالیسم مبارزه کنیم و بدون استقرار یک نظام سوسیالیستی تن به هیچ شکل حکومتی دیگر نخواهیم داد، این حق ترین حقی است که جنبش ما و حزب ما، بعد از بیش از یکصد سال تجربه و له شدن در زیر چکمه و سرنیزه دو حاکمیت فاسد و سیاه جمهوری اسلامی و شوینیسم پادشاهی و ملی گرایانه برای خود قائل است. فکر میکنیم اکثریت جامعه نیز همین راه را انتخاب و حمایت میکنند.

یک رکن بسیار مهم پیروزی جامعه ای که خواهان آزادی و برابری و رفاه و امنیت است توجه جدی به سیاستهای رادیکال، شفاف، بدون تعارف و بدون توسل به رویکرد فاسد دیپلماسی بازی با "توده ها" و دنیای سیاست، از جانب احزاب سیاسی و نوینی مانند حزب سوسیالیست انقلابی ایران است.

این حزب را به عنوان حزب راستین طبقه کارگر، حزب واقعی آزادی زن، حزب جوانان انقلابی، و حزب سازمانده و رهبر جنبش ما برای سرنگونی قهر آمیز جمهوری اسلامی و کلیت نظام فاسد سرمایه داری، استقرار آزادی، برابری و یک نظام سوسیالیستی در آینده بعد از نابود کردن این رژیم جهل و جنایت باید شناخت و به آن پیوست (س-ز)

تماس با حزب سوسیالیست انقلابی

Iransocialist2017@gmail.com

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

اجازه نمی دهیم رویداد سال ۵۷ ...

در فاصله زمانی کم اهداف خمینی-تحقق می یابد. پس می بایستی در اولین فرصت ممکن شعله های این انقلاب مردمی را خاموش کرد. برای این امر ابزارهای ویژه خود را میطلبید. جلادانی چون هاشمی رفسنجانی، خامنه ای، باهنر، بهشتی، خلخالی، بنی صدر، محسن سازگارا، چمران و هزاران چماق بدست دیگر چنین ابزاری در دستان خمینی قرار گرفتند و آتشی به پا کردند که تا به امروز نیز زبانه های آن قربانی میگیرد.

جمهوری اسلامی در طول بیش از چهار دهه حاکمیت ارتجاعی و جنایتکارانه اش هزاران انسان سیاسی و کمونیست و آزاده را به چوبه دار سپرد. فقر و بدبختی و نداری و بیکاری قسمتی از زندگی مردم ایران شد. آواره و دربدری دیگر جزوی از زندگیشان بود. ماشین کشتار جمهوری اسلامی در فاصله این مدت بدون وقفه در حرکت بود. سرکوب، شکنجه، زندان، اعدام، به خون کشیدن هر اعتراض و ندای آزادیخواهانه ای جزو کارنامه ۴۰ ساله حکومتیست که امروز با بزرگترین بحرانهای داخلی و جارجی دست و پنجه نرم میکند.

بعد از ۴۰ سال

و اما امروز قریب به ۴۰ سال از آنروز میگذرد و جمهوری اسلامی با نسل نوینی از انقلابیونی طرف است که از والدین خود دریافته اند که نمی خواهند زیر سلطه حکومتی باشند که زندگی را به کام ولدیشان تلخ کرده بود. امروز این نسل این حکومت را نمی خواهد. کارگران، زحمتکشان، معلمان ادیبان و روشنفکران و زنان و جوانان انقلابی وارد عرصه دیگری از مبارزه شده اند. فشارها روز به روز ابعاد وسیعتری به خود میگیرند. و همه این فشرها از سرنگونی میگویند و مردم عملاً می خواهند انقلاب دیگری را تجربه کنند.

گفتمان نسل سومی، گفتمان نیست از نوع تغییر بنیادی. این نسل برانداز است و می خواهد ریشه اسلام و اسلام گرایی را بختکند. با خیابان دست آشتی داده است و سرنگونی را میطلبد. این نسل از ایده و آرمانها جمهوری اسلامی با همه جناح های ریزو درشتش فاصله گرفته است و تسویه حساب کرده است. این نسل هر روز در حال بازسازی خود است و کاراکنز جدید می پروراند. می خواهد خواسته هایش را فراگیر کند و در سطح عمومی تری خود را به جامعه بشناساند. بستر فعالیت و مبارزه خود را یافته است و هدف مشخصی را برای رسیدن به خواسته هایش می پیماید. این نسل باید به رسمیت شناخته شود و باید انرا باور کرد.

این نسل، نسلی سیاسی است که خواستار مشارکت و ایفای نقش بیشتر در جامعه، در قدرت و در آینده و سرنوشت خود و هموعانش را در سر دارد. این نسل به برکت پدید آمدن فضای انقلابی جامعه و ادعای سرنگونی، نه تنها در فضای مدارس و دانشگاه ها، حضوری فعال و مؤثر دارد، بلکه در عرصه های سیاسی و اجتماعی جامعه به خصوص بعد از رویدادهای ۷ دیماه در ایران، حضوری تعیین کننده و چشمگیر دارد. این نسل که در دوران پرشور و پرتحرک اعتصابات و اعتراضات خیابانی و دانشگاهی و مراکز کارگری رشد کرده، حضور در عرصه های مختلف اجتماعی و دخالت در تعیین سرنوشت خود را حق خود می داند و با توجه به جمعیت به شدت رشدیافته خود، با استفاده از آزادی و اختیاری که با آگاهی خود بدست آورده است،

←

طبقه در عرصه مبارزات سیاسی محدود به آن دوره زمانی تعریف میشد. نمایندگان فکری این طبقه حامل دیدگاههای پوپولیستی بودند. در همان حال طبقه کارگر هم با وجود این فضا اگر چه نتوانسته بود رهبری سیاسی خود را شکل دهد، اما با حضور مؤثر خود در صحنه مبارزه بر علیه رژیم شاه و سرمایه داران، توانسته بود اعتبار اجتماعی غیرقابل انکاری در سطح جامعه ایران کسب کند و زمینه و امکان اجتماعی دور شدن از دیدگاههای خرده بورژوازیانه-ی مسلط را فراهم سازد.



مردم ایران در چنین شرایط و اوضاع و احوالی که حتی یک رهبر انقلابی و پیشرو برای هدایت انقلاب به عنوان یک بدیل قابل اتکا در دست نداشت به خیابان آمده بود و در سنگر مبارزه علیه رژیم سرکوبگر شاه قرار گرفته بود و تصمیم گرفته بود که شاه را برکنار کند. خمینی جنایتکار در آن روزها که انقلاب ایران فاقد یک استراتژی روشن بود، هدف واضح و مشخصی را در برابر مردم قرار داد و قاطعانه آن را پیگیری نمود، ملاک وی تنها رفتن شاه بود و هیچ. خمینی به مثابه یک مرجع تقلید و فعال سیاسی شیعه و با توجه به سوابقی که در مخالفت با شاه و نفوذی که در میان قشری از روشنفکران واپسگرا در جامعه ایران کسب کرده بود، در چنین موقعیتی و در شرایط فقدان آلترناتیو دیگر به عنوان یک بدیل در عرصه سیاسی ایران ظاهر شد.

عوامل فیزیکی های خمینی به او فرصت داد تا خود را برای سرکوب قطعی و نهایی انقلاب آماده سازد. بدین ترتیب خمینی به عنوان یک استراتژیست ضد انقلاب، فرصت یافت تا ضربات پیاپی خود را بر پیکر انقلاب نوپای ایران فرود آورد. او در گامهای نخست و با کمک افرادی چون بنی صدر و خلخالی و دیگر نیروهای ملی اسلامی به جان مردم افتادند و انقلاب ایران را در صحنه های مختلف اجتماعی به شکست کشاند. جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی که در به زانو درآوردن رژیم شاه نقش تعیین کننده ای ایفا کرده بودند، یکی پس از دیگری آماج حملات وحشیانه و سازمان یافته رژیم نوحاسته اسلامی قرار گرفتند.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

اجازه نمی دهیم رویداد سال ۵۷ ...

بیشترین نقش را در اعتراضات و اعتصابات و مبارزه های خود برای دستیابی به خواسته های بدست آورده است. این نسل، اکنون ۶۵ تا ۷۰ درصد جامعه ایرانی را تشکیل می دهد و در آینده، بنه اصلی قدرت خود را به وجود خواهد آورد و به دلیل برخورداری از قدرت تحلیل و آگاهی به تحولات سیاسی، امید می رود که بهتر از دو نسل پیشین، جامعه را در جهت تحقق اهداف انقلاب سوسیالیستی اداره کند.

حزب سوسیالیست انقلابی میکوشد در راستای این جنبش قدم بردارد. این جنبش را میشناسد و ارزیابی درست از آن دارد و به استعداد و توانائی های این نسل زنده جامعه اعتماد و باور دارد.

کلیه فعالیت های سیاسی، کار ترویجی و ظرفیت های سازمانگرا نه حزب ما باید در خدمت این نسل باشد. شرط موفقیت ما فعالان حزب سوسیالیست انقلابی این است اجازه ندهیم دوباره ارتجاع به بهانه و سکل دیگر سناریو سال ۵۷ را بر ما تکرار کنند، باید تلاش کرد چپ که مرتکب اشتباه شد در سال ۵۷ در دوره پیشرو از تکرار آن برحذرش نمود. حزب ما پتانسیل اینرا دارد که کماکان برای به هم نزدیک کردن تمام نیروهای موجود طرفدار سرنوینی انقلابی جمهوری اسلامی و مدافعین استقرار فوری یک نظام سوسیالیستی و کارگری تلاش و مبارزه جدی تری را به پیش ببرد.

این نسل و شرایط به وجود آمده امروز در جامعه ایران، نیروی فعال سیاسی، مسئول و رزمنده و کمونیست و انقلابی می طلبد تا بدین شیوه بتواند در مبارزه آینده خود و در گفتمان سرنوینی، قطب چپ و رادیکال درون جنبش خود را قویتر و رزمنده تر از هر زمانی کند.

"محور اساسی انقلاب کمونیستی، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کمونیستی به تقسیم طبقاتی جامعه خاتمه میدهد و نظام مزد بگیر را از میان بر میدارد. بازار، مبادله کالایی و پول حذف میشوند. بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان ها مینشیند. کار، که در جامعه سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم تکاپویی ناگزیر و چشم بسته و فرسوده کننده برای امرار معاش است، جای خود را به فعالیت خلاق و داوطلبانه و آگاهانه مردم برای هرچه غنی تر کردن زندگی انسانی میدهد. هرکس، به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود. از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش، این یک اصل اساسی جامعه کمونیستی است.

نه فقط تقسیم طبقاتی، بلکه تقسیم حرفه ای انسان ها از میان میرود. کلیه قلمروهای فعالیت خلاقه بر روی همگان باز میشود. شکوفایی هر فرد به شرط شکوفایی جامعه بدل میشود. جامعه کمونیستی جامعه ای جهانی است. مرزهای ملی و کشوری محو میشود و جای آن را هویت جهانشمول انسانی میگیرد. جامعه کمونیستی جامعه ای است بدون مذهب، بدون خرافه، بدون ایدئولوژی و بدون زنجیر سنن و اخلاقیات کهنه بر اندیشه آزاد انسان ها.

از میان رفتن طبقات و تضاد طبقاتی، دولت را به پدیده زائدی تبدیل میکند. در جامعه کمونیستی دولت زوال پیدا میکند. جامعه کمونیستی جامعه ای است بدون دولت. امور اداری جامعه از مجرای تعاون، همفکری، ارتباط و تصمیم گیری جمعی کلیه اعضاء جامعه حل و فصل میشود.

جامعه کمونیستی به این ترتیب برای نخستین بار به آرمان آزادی و برابری انسان ها به معنی واقعی کلمه جامه عمل میپوشاند. آزادی، نه فقط از ستم و سرکوب سیاسی، بلکه از اجبار و انقیاد اقتصادی و از اسارت فکری. آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی و در شکوفایی خلاقیت ها و عواطف والای انسانی. برابری، نه فقط در برابر قانون، بلکه در بهره مندی از امکانات مادی و معنوی جامعه. برابری شان و ارزش همه در پیشگاه جامعه." (برگرفته از برنامه "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب سوسیالیست انقلابی ایران)

<p>نه شاه نه شیخ، نه قومی نه مذهبی، نه ملی اسلامی ها، نه فدرالیست چی ها، نه اسلام مجاهدینی، نه سیستم رعیت پروری پادشاهی، مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!</p>	<p>ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی مبارزه میکنیم!</p> <p>بدون پیروزی سوسیالیسم هیچ اعتراض و "انقلابی" به نفع طبقه کارگر و اکثریت جامعه تمام نخواهد شد!</p> <p>سلام زبجی S_zijji@yahoo.se</p>	<p>کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و نشئه آزادی و برابری!</p> <p>برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید!</p> <p>این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید.</p> <p>iransocialist2017@gmail.com</p>
--	--	--

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن را با زبان مادری بخوانیم)

سهراب کرمانشاهی

بلکه خدا بر آنها لعن و غضب فرمود زیرا کفر و عناد و زیدند و در میان آنها اهل ایمان بسیار اندک بودند. و چون کتاب آسمانی از نزد خدا بسوی آنها آمد که تصدیق کتاب آنها را میگردوبانکه پیش خود بظهور او امید فتح و نصرت داشتند بر آن کسانی که کافر بودند پس چون آمد آن پیغمبر و شناختند بکفر از نعمت وجود او ناسپاسی کردند که خشم خدا بر کافران باد"

اولا در تمامی قرآن منجمله کتابهای تورات و انجیل مرکز تفکر را قلب دانسته اند. کتابی که مدعی علم و آگاهی است چگونه میشود که زمین را مسطح و دل انسان را مولد فکر و اندیشه میدانند به آن اعتماد کرد تهدید و ارباب و تحلیل های غلط از هنرهای کتب دینی است.

(آیه ۹۰) "بد معامله ای با خود کردند که به نعمت قرآن که از لطف خدا بر آنها نازل شد کافر شدند و از روی حسد راه ستمگری پیش گرفتند که چرا خداوند بفضل خویش بعضی از بندگانش خود را مخصوص گرداند و خوشی تازه علاوه بر خشم سابق از جانب خدا بر ای خود درخواست نمود و مرا کافر انراست عذابی خوار و زار کننده"

دیکتاتوران دینی هرگاه به وسیله ای و ابزاری متوسل میشوند که ارتباط با او خارج از دسترس انسانهاست نه اینکه قرآن نعمت ندارد بلکه نکبت و گمراهی را بدنیال دارند و برتری که عاجز از راهنمایی کردن انسانهاست و توان اراده او فقط بدنیال انتقام از خالق خود است و وجود خارجی ندارد

(آیه ۹۱) "و چون بقوم یهود گفتند ایمان آورید بقرآنیکه خدای فرستاده پاسخ دادند که ما بتوراتیکه جهت مانازل شده ایمان آوردیم و بغیر تورات کافر میشوند در صورتیکه قرآن حق است و تصدیق میکند کتاب آنها را بگو ای پیغمبر اگر شما مدعی ایمان بتورات راستگو بودید چرا میکشید پیغمبران گذشته را"

جاهطلبی در ادیان ابراهیمی موج میزند. ولی قرآن سونامی بپاکرده که هیچ دینی تا کنون در دنیا چنین خلاقیتی نداشته. من در عجب مردم امروزی چرا خود قرآن را نمیخوانند و پی به تناقضها و گنگ بودن آن نمیرند؟ ترس بی تفاوتی و بی حوصلگی از جمله عوامل مطالعه کتب دینی است که مردم را بنده و برده خود قرار داده تا حاکمان دینی بتوانند به مقاصد شوم خود که همانا استبداد و دیکتاتوری است برسند.

جهل و گمراهی، توهم و توهش، ترس و وحشت، تخیل گرایی، برده داری و ترویج سرمایه داری، خشونت، جنگ و خونریزی، تایید طلبی، قضاوت کردن، خود بزرگی بینی و خود کوچک بینی، تقیه (دروغ)، مصلحت گرایی، قصاص از جمله سنگسار شلاق و اعدام، نهی از پرسش، و ووهیدیه های است که حاکمان جبار دینی به بشریت کادو داده اند.

ادامه دارد....

زنده باد کارگر - نابود حاکمیت دینی و دیکتاتوری - زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران

سوره بقره. (آیه ۸۵) "سپس باین عهد و اقرار باز شمایه همان خوی زشت اسلاف خود میباشید که خون یکدیگر میریزید و گروه ضعیف را از دیار خود بیرون میکنید و در بد کرداری و ستم برضعیفان کمک و پشتیبان یکدیگر هستید هرگاه اسیرانی بگیرید برای آزادی آنها فدیة میطلبید در صورتیکه بحکم محققا خراج آنها شمارا حرام خواهد بود چرا به برخی از احکام کتاب ایمان آورده و به بعضی دیگر کافر میشوید پس جزای چنین مردم بد کردار چیست بجز ذلت و خواری در زندگی این جهان و سخت ترین عذاب در روز قیامت و خدا غافل از کردار شما نیست"

حاکمان و ظالمان دین آنچنان بلایی بر سر بشریت آورده اند که خود آنان اگر زنده بودند شرمند انسان و انسانیت میشوند. دین اسلام بانقل قول از آیین یهود که آنها سراسر همه تحریف حقایق است می خواهد لولو خور خوره را برخ مسلمانان بکشاند. عهد و اقرار گرفتن و مطیع ساختن آدمها در جهت بردگی و استعمار افسار گسیخته قداره بدستان وحشی ترس و وحشت را بجان انسانها انداخته و زندگی و طعم شیرین عشق را از او گرفته است و هیچوقت در کتب ابراهیمی مخصوصا کتاب قرآن اشاره ای به برابری ثروت و تقسیم عادلانه سرمایه نشده است و دقیقا برده داری را امری عادی دانسته و تاکید شده که شما میتوانید با پولی که داری میتوانی چند برده را بخری و سپس آنرا آزاد کنی و این سخن یعنی اینکه خرید و فروش برده و اصل سرمایه و سرمایه داری را تایید مینماییم .

(آیه ۸۶) "اینان همان کسانی هستند که متاع دوروز دنیا را خریده و ملک ابدی آخرت را فروختند پس در آخرت عذاب آنها اندک تخفیفی نیابد و هیچکس با آنها یاری نخواهد کرد"

در این آیه حقیقت آنست که باید جای سرمایه و سرمایه دار در حکومت دینی عوض شود و این قدرت در اختیار امپراتوری دین قرار گیرد و حتی بعدا فقیران در لیست بدهکاران مالیاتی در حکومت دینی قرار خواهند گرفت: (آیه ۸۷) و هر آینه به موسی کتاب تورات را عطا نمودیم و از پی او پیغمبران دیگر فرستادیم و عیسی پسر مریم را بمعجزات و عدله روشن حجت ها دادیم و اورابه روح القدس قوت و توانایی بخشیدیم آیا هر پیغمبری که از طرف خداستوری برخلاف هوای نفس شما آرد از راه حسد گروهی را تکذیب نموده و جمعی را بقتل میرساند: به جرأت میتوان گفت تمامی کتب ادیان آیینهای قبل و بعد خود را باطل اعلام کرده اند فقط و فقط بخاطر اینکه بتوانند از این راه مردم را اسیر و بنده خود سازند

(آیات ۸۸ و ۸۹): گفتند دلهای مادر پرده غفلت است چنین نیست

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!

حرکت نمادین دختران "خیابان انقلاب" در یک نگاه!

عزیز آجیکند

امروز روحانی و دیگر سران رژیم جمهوری اسلامی بخوبی دریافته اند که روند رو به گسترش چنین اعتراضاتی نه تنها مانع تسلط فضای خوف و وحشت بر جامعه خواهد شد بلکه با تقویت فضای مبارزاتی در سطح جامعه، زمینه های مناسب تری را جهت شکل گیری مبارزات دیگر توده ای برای حمایت و پشتیبانی از چنین حرکتی علیه حجاب اجباری و برای تحرک و به میدان آمدن دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی فراهم می آورد.

زنان در ایران طی چهاردهه اخیر بیشترین مشقت ها را از دست رژیم جمهوری اسلامی چشیده اند. تحقیر و بی حقوقی زنان در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی حد و مرزی نمی شناسد. جمهوری اسلامی بسیار کوشید تا با اتکا به اعتقادات مذهبی، ستم بر زنان را درونی کند و آنان را متقاعد سازد که به موقعیت فرودست خود تمکین کنند، اما نه تنها در این کار توفیق نیافت، بلکه آتش فشان خشم و نفرت آنان را نیز برافروخت. امروز به روشنی میبینیم که یک هوشیاری اجتماعی بالا، یک اعتماد به نفس قوی و یک سرسختی و قاطعیت کم نظیر در میان نسل جدیدی از زنان در ایران در حال شکل گیری است. این جنبش در ادامه کاری خود می تواند توجه بسیاری از حامیان خود را به طرف خود سوق دهد و بدین ترتیب ابعاد

اعتراضات و خواسته های خود را گسترش دهد و به ستون اصلی اعتراضات آینده از جمله مراسمات پیش رو در روز جهانی زن تبدیل شود. امروز زنان آزادیخواه ایران در صفوف طبقه کارگر، در صفوف دانشجویان مبارز، در صفوف حرکت های اعتراضی در محله ها و در محیط های کار، در قالب مبارزه پرستانان فرهنگیان و خانواده های زندانیان سیاسی، و هر جا که نشانی از اعتراض و مبارزه و مقاومت هست، در خط مقدم قرار دارند و نمونه جسارت انقلابی و سرسختی در پیگیری خواست های بر حق خود هستند.

همچنانکه دیدیم این جنبش و این حرکت در اولین گام خود با سد اختناق رژیم جمهوری اسلامی و واکنش های متفاوت

زن ستیزی حاکمان عمامه به سرجهل و جنایت جمهوری اسلامی روبه رو شد. پس لازم است جبهه محکمی در برابر این اقدام زن ستیزی سران جمهوری اسلامی به وجود آید تا این جنبش را حمایت و پشتیبانی کند و تلاش کند که این جنبش در این سطح باقی نماند و فراگیر و سراسری شود.

برای این امر مهم همکاری و اتحاد عمل جنبش های دمکراتیک دیگر ضروری و لازم و در این مقطع میتواند بسیار حیاطی باشد. حمایت و مشارکت شمار هر چه بیشتر زنان و مردان برابری طلب و مخالف حجاب اجباری در این مقطع میتواند چندین گام این حرکت را پیش برد.

بدون شک تجربه تاریخی تا به امروز نشان داده است که تنها با ارائه افق و بدیل روشن است که می توان شور مبارزه در راه رهایی و تحول بنیادی در جامعه را برانگیخت. جنبش زنان به مثابه یک جنبش سیاسی و اجتماعی در راستای هرخواست و مطالبی که در دستور کار خود دارد که بدون شک حجاب یک از آنهاست، نمی تواند بدون افق و استراتژی سوسیالیستی پیشروی خود را تضمین کند. در شرایط کنونی چنین حرکتی در میان زنان می تواند تاثیرگذار باشد و خیل عظیمی از زنان و دختران جوان در جامعه ایران را با خود همراه و به میدان مبارزه بیاورد.

در چند روز اخیر و همزمان با تداوم روند روبه گسترش اعتراضات در شهرهای ایران و به میدان آمدن نسلی جدید از زنان و دختران انقلابی موسوم به دختران "خیابان انقلاب" بر علیه حجاب اجباری، اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با این حرکت زنان و دختران جوان در ایران، شدت پیدا کرده است.

روند رو به گسترش این اعتراضات و گسترش و باز تکثیر حرکت نمادین دختران انقلاب در شرایطی ادامه دارد که دولت شکست خورده روحانی در دومین دوره خود نه تنها هیچ گونه بهبودی در وضعیت زنان در جامعه ایران بوجود نیاورده است بلکه اوضاع برای زنان و دختران روز به روز وخیم تر و فضای سرکوب و خفقان شدیدتر شده است.

حرکت نمادین "دختر خیابان انقلاب" و گسترش دامنه این حرکت اعتراضی که برخی زنان سالخورده و مردان جوان در شهرها و محلات گوناگون را نیز به دنبال داشت، در نوع خود بی سابقه و عبوری از سنت های عقب افتاده جمهوری اسلامی و شریعت اسلام و همچنین حرکت موسوم به آزادیهای یواشکی و محدود نگری چهارشنبه های سفید، تلقی میشود و در اقدامی خود جوش برای لغو حجاب اجباری، دین و قانون زن ستیزی ۴۰ ساله جمهوری اسلامی را به چالش کشید.

همه نشانه ها و باز تکثیر این حرکت نمادین نشانگر یک حرکت و یک شیوه از نوع دیگر است. نوع و حرکت و شیوه ای که در تلاش است با برداشتن حجاب علیه یکی از نمادین

ترین ارزشهای نظام جمهوری اسلامی به مبارزه برخیزد. حرکت و شیوه ای که سالهاست میخواست متولد شود که فرصت آن مهیا نشد و نتوانست شکوفه دهد. رویدادهای ۷ دیماه و اعتراضات اخیر به این حرکت و به این شیوه اعتراض جامعه عمل پوشاندند در یک فرصت و در یک حرکت نمادین، دختری به نام ویدا موحد ۳۱ ساله بالای سکوی رفت و روسری خود را به نشانه اعتراض به حجاب بر سر یک چوب گرفت و آنرا بالا نگاه داشت. این حرکت در فاصله زمانی کم باز تکثیر شد و جمعی دیگری را نیز به دنبال خود کشاند. این حرکت که به حرکت دختران انقلاب موسوم گردید، نماد عبور از شریعت اسلام و آزادی های یواشکی و چهارشنبه های سفید را رقم زد و با آن مرزبندی خود را اعلام کرد و مسیر بدون بازگشتی را برای تداوم مبارزه خود در جهت و راه دیگری در پیش گرفت. حرکت نمادین دختران انقلاب اگر چه هنوز راهای سختی را در پیش دارد و تا به امروز هم آنچنان در سطح جامعه فراگیر نشده است، اما بازتاب این حرکت و رشد این پدیده به خوبی نشان داد که مقامات جمهوری اسلامی تحمل آنرا نداشته و بشدت از آن نگران و ترس آنرا دارند که این حرکت در آینده نزدیک فراگیرتر شود و تمام جامعه را در بر گیرد.



تعیین حداقل دستمزد تنها در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگران است!

یورش گسترده گارد ویژه و نیروهای انتظامی برای سرکوب کارگران اعتصابی شرکت نیشکر هفت تپه را بشدت محکوم میکنیم!

صبح امروز یکشنبه ۱۵ بهمن در پنجمین روز اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، از ساعات اولیه صبح نیروهای گارد ویژه با همکاری نیروهای انتظامی دولت سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی در سطح گسترده ای اقدام به محاصره کارخانه شرکت نیشکر هفت تپه کرده اند و کلیه دربهای کارخانه را به کنترل خود در آورده اند و کارگران بخش کشاورزی را که قصد ورود به کارخانه و پیوستن به همکاران اعتصابی خود را داشته اند مورد حملات وحشیانه قرار داده و تا این لحظه ۲۳ نفر از کارگران را که در میانشان اسماعیل بخشی و کرامت پام از نمایندگان کارگران به چشم میخورد با دست بند و پایبند از پاسگاه هفت تپه به دادگستری شوش حرکت داده اند. بسیاری از کارگران هم برای جلوگیری از بازداشت، خود را به کانالهای آب زده اند. لازم به ذکر است که مافیای قدرت و مزدوران فاسدش از جمله حکومت خود خوانده "اسد بیگی" در حال برقراری حکومت نظامی در شرکت و برای وادار کردن هزاران کارگر رنج دیده و زحمتکش شرکت هفت تپه به کار با شکم گرسنه هستند

موتورسواران گارد ویژه برای ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران بخش کشاورزی با موتورهایشان در مزارع نیشکر جولان میدهند و با مشاهده کارگرانی که با موتور به سر کار می آیند آنان را مورد حمله قرار داده و در داخل مزارع تعقیب میکنند. استفاده از نیروی سرکوب برای وادار کردن کارگران نیشکر هفت تپه به کار با شکم گرسنه یک جنایت بزرگ است که باید دولت روحانی و همه مقامات ریز و درشت حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی، مسئولین شهر شوش، شخص اسد بیگی و دیگر مسئولین شرکت نیشکر هفت تپه پاسخگوی آن باشند.

حزب سوسیالیست انقلابی یورش وحشیانه نیروهای گارد ویژه و انتظامی به کارگران اعتصابی شرکت نیشکر هفت تپه را قویا محکوم میکند و اعلام میدارد توسل به چنین اقدامات سبعمانه ای نه تنها خلی در عزم و اراده کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و کارگران ایران در مبارزه برای دستیابی به حقوق انسانی ایجاد نخواهد کرد بلکه کارگران را بیشتر از هر زمانی برای مبارزه علیه حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی متحدتر خواهد کرد.

ما از همه جریانهای مترقی و سوسیالیست و آزادیخواه میخواستیم در مقابل این جنایت جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگرش فریاد اعتراض خود را بلند کنند و همچنین طبقه کارگر ایران و انسانهای آزادیخواه را برای حمایت از کارگران هفت تپه فرا میخوانیم و خواهان آزادی فوری بازداشت شدگان هستیم.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۱۵ بهمن ۱۳۹۶

۴ فوریه ۲۰۱۸

روز پنجشنبه ۱۹ بهمن بیژن قلوزی کارگر ۴۵ ساله با بیش از ۲۳ سال سابقه کار در کارخانه آسفالت کامیاران به آتش کشیده شد طبق خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران این کارگر بابت اعتراض به ۱۱ ماه حقوق معوقه ی خود به دفتر کارفرما مراجعه میکند و پس از دقایقی پیکر سوخته ی او را به بیمارستان توحید سندانج انتقال میدهند طبق گزارش بیمارستان بیژن قلوزی دچار ۸۰ درصد سوختگی شده است و در وضعیت کنونی حال وی وخیم گزارش شده و امکان انتقالش به بیمارستانی در اصفهان وجود دارد طبق گفته ی کارگران، در اتاق کارفرما گالون بنزینی قرارداشته و در مشاجره این کارگر با کارفرما مورد استفاده قرار گرفته است هنوز اطلاع دقیقی از چگونگی به آتش گرفتن این کارگر وجود ندارد کارفرما اظهار میکند که کارگر خود اقدام به خودسوزی نموده اما کارگران ادعا میکنند که کارفرما وی را به آتش کشیده است این کارگر متاهل و دارای ۵ فرزند کوچک میباشد

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

اخراج و بیکارسازی موقوف!